



۲۸

سوسیالیسم امروز

۱۶ دسامبر ۲۰۱۷ - ۲۵ آذر ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام نیربجی

www.simroz.org

کارگران نیشکر هفت تپه
و راه پیروزیهای موثر کدامند؟

صفحه ۵

پیام سندیکای کارگری شرکت
نیشکر هفت تپه

صفحه ۵

در این سر زمین نه امنیت
و نه پشتوانه ای برای زنان هست

صفحه ۳

ضرورت افزایش حداقل دستمزد
و ایجاد صف و تشکل مستقل کارگری

صفحه ۴

به بانوان سرزمین در تسخیر
خرافه‌پرستی و جهل

صفحه ۶

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند
(قرآن رابا زبان مادری بخوانیم)

صفحه ۸

فقر بی حد و مرز در یک کشور بسیار ثروتمند

صفحه ۶

در صفحات دیگر:

رضا شهابی در زندان سگته کرده است

روایتی تکان‌دهنده از کودکان زباله‌گرد افغانستانی

تهدیدها و فضا سازی نظامی از جانب دولتهای ایران و عربستان

راه حل واقعی معضل
فلسطین و اسرائیل
رجوع به رفراندوم
شهروندان است!

ابراهیم باتمانی

حاکمان امریکا و دولت ترامپ در یک حرکت عوامفریبانه، که تازگی هم ندارد و در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و قلدرمنشانه تا کنونی شان بوده، بطور صریحتری اعلام کردن که "اورشلیم" را به عنوان "پایتخت اسرائیل" به رسمیت می‌شاسند. و بدنبال این سیاست موزیانه شاهد هیاهوی متقابلی هستیم که به اندازه امریکا در سرکوب و عوامفریبی و جنایت در منطقه و در فلسطین دست داشته اند و خود عاملی برای حل نشدن تاکنونی مشکل فلسطین بوده اند. اما این "مخالفتها و تقابلها" و موضوعیهای دو پهلو را نباید جدی گرفت. شهروندان مقیم اورشلیم و مردم قربانی شده فلسطین نیز در طول تاریخ واسطه ای برای جنگ نیابتی بخشهای مختلف بورژوازی و ارتجاع مذهبی حاکم بر منطقه تبدیل شده است. با عدم حل واقعی مسئله فلسطین از یکسو میدان بر روی قلدری و جنایت اسرائیل و امریکا باز گذاشته شده است و از سوی دیگر به زمینه عروج تروریست ترین دولتها و نیروهای مرتجع اسلامی در فلسطین و منطقه به بهانه "مردم مظلوم فلسطین" تبدیل گردید و به آنها نیرو داده است.

مگر این دولتها و سازمان ملل شان نمیدانستند و یا نمیدانند سالهای سال است بین دولت اسرائیل و مردم فلسطین جنگ و خون ریزی در جریان هست؟ صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



اما آنها نمیخواهند به پای حل واقعی این معضل دیرینه مردم فلسطین گام بردارند چون به نفعشان نیست. وجود چنین کشمکش‌هایی مانند ده‌ها مورد مشابه در منطقه یک نیاز مهم کلیه دولتهای سرکوبگر و تروریست و اسلامی و هم چنین دریچه‌ای برای حضور نظامی و دخالت و فروش میلیاردها دلار تجهیزات نظامی امریکا و بقیه دولتهای غربی در منطقه است. باید همیشه یک بحران و بهانه را به قیمت جان مردم ستم دیده فلسطین و مردم خسته شده اسرائیل از دست این جنگ و گریز خیابانی داشته باشند و تنور نزاغ را همچنان گرم نگاه دارند!

واقعیت این است که نه دولت سرکوبگر اسرائیل و نه هیچکدام از جریانات و احزاب تروریست و اسلامیها ربطی به منفعت واقعی مردم سرکوب شده ندارند. از نظر ما راه پایان دادن به معضل دیرینه فلسطین بسیار ساده است. ساده است اگر واقعا منفعت آن جامعه و هدف پایان دادن به ستم و درگیری و باجگیری و برتری طلبی های خرافی مذهبی و ملی باشد. اگر حق برابر شهروندی مبنای حل این معضل قدیمی قرار داده شود، که این هم کار هیچیک از طرفهای درگیر نیست!

برای پایان دادن به این وضعیت ناگوار هیچ راهی جز اعلام دو کشور مستقل برابر اسرائیل و فلسطین، و به رسمیت شناختن هر دو وجود ندارد. هر منطقه‌ای که مورد مناقشه است، از جمله اورشلیم، را نیز در گام نخست باید با رجوع به رای شهروندان و یا در مناسبترین شکل اداره مشترک اورشلیم از سوی هر دو کشور حل و فصل کرد. جنگ جنگ تا پیروزی برای یکجانبه اعلام کردن و قرق کردن نظامی و زورگویانه شهری که محل زیست مشترک شهروندان اسرائیلی و فلسطینی است یک سیاست نژاد پرستانه، مذهبی و ضد انسانی است که نباید پذیرفته شود. چنانچه مردم اسیر دست سرکوبگران هر دو طرف دعوا آزاد گذاشته شوند بی تردید اگر به زندگی مشترک و با حق شهروندی برابر در کل سرزمینهای اسرائیل و فلسطین هم رای قاطع ندهند (یک کشور مشترک اسرائیلی و فلسطینی) به دلیل نفوذ جریانات ارتجاعی، اما بی تردید و حداقل همین راه حل های که اشاره کردم را انتخاب خواهند کرد چرا که اصولی ترین راه حل در موقعیت دشوار کنونی است.

اتفاقات جاری در اسرائیل و فلسطین کم و بیش شبیه مشکلات دیرینه مساله کرد و ستم ملی در چند کشور و بطور اخص مانند خواست شهروندان کردستان عراق بود که خواهان استقلال شدند، اما از جانب کلیه دولتها و احزاب و نهادهای "بین المللی"، چون به نفعشان نبود، با سرکوب و بی توجهی به آن واقعیت مشابه فلسطین رفتار نمودند. هم اکنون نیز هم دولت امریکا و هم دولتهای اسلامی "مخالف تصمیم ترامپ" و دولتش در باره اورشلیم همان ریاکاران و جنایتکارانی هستند که دیروز بطور "متحد" علیه حق اولیه شهروندی در کردستان عراق لشکر کشی کردند و صدها نفر را کشتند و ده‌ها هزار را نیز بی خانمان و آواره کرده اند و هنوز هم آنها را دارند "تنبیه" می کنند.

اولان این حاکمان دولتهای اسلامی همه دست نشانده ویا همرا سیاستهای امریکا یا یک قطب مشابه بوده و هستند. دوما این دولتهای اسلامی بدون استثنا همه سرکوبگر و ضد زن و آدم کش و فاسد و دزد هستند. امروز خامنه ای و روحانی و قاسم سلیمانی جنایت کار هم شده مدافع مردم فلسطین؟! دولت فاشیست ترکیه شده مدافع حقوق فلسطینی ها؟! و هیچکدام شرم نمیکنند که در مملکت تحت حاکمیت سرکوبگرانه خود با شهروندان مشابه چه رفتار جنایتکارانه ی دارند. عجب دنیای پوچ و شیدانی بر مردم حکمرانی میکنند! کلیه این حکومتها آنسوی سکه دولت قلدن امریکا و شارلاتانی چون ترامپ هستند. همراه شدن با هر کدام از آنها شراکت در جنایتهای هولناکی است که یک عمر است این جنایتکاران مرتکب میشوند. از طریق نه امریکا و ترامپ و نه از کانال "اتحادیه عرب" و "کنفرانس کشورهای اسلامی" بی خاصیت و کانون مرتجعترین جریانات و افکار و دولتها، نمی توان مشکل فلسطین و هیچ مشکل واقعی مشابه را حل و فصل نمود.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، طبقه کارگر، نیروهای چپ و مترقی در اسرائیل و فلسطین را فرا میخواند با شروع کمپین مستقل و واحد خود، ضمن اعلام پوچ بودن تصمیم ترامپ و تروریست اعلام کردن دخالت کشورهای اسلامی از جمله ایران در مسئله فلسطین، خواهان برگزاری رفراندوم و رجوع به شهروندان برای تعیین تکلیف حول کلیت مشکل فلسطین و همچنین موقعیت اورشلیم شوند. حزب سوسیالیست انقلابی حل این مشکلات تحمیلی را از کانال طرحهای پیشنهادی فوق و از جمله با تاکید به برگذاری رفراندوم بدون حضور و دخالت دولت فلسطین و طرفهای حاکم ناسیونالیستی و اسلامی فلسطینی را یک راه حل اصولی و تنها راه پایان دادن به چنین معضل تحمیلی می داند.

	iransocialist2017@gmail.com	www.simroz.org	
	..۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ..۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ..۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳		

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در این سر زمین نه امنیت و نه پشتوانه ای برای زنان هست

شهره تهرانی

سواستفاده کاری، مالی، جنسی، جسمی و غیره. حتی هنگام جستجوی کار نیز از این منظر و به هدف سو استفاده از زن ما شاهد انواع آگهی هستیم. هر کجا را نگاه می‌کنی اطلاعیه کار برای "خانمها" چسبانند: "به چند خانم جهت کار در خیاطی، در آرایشگاه، به عنوان منشی، در پست، بانک ها، در قالیبافی و غیره نیاز هست. و البته با کمترین دستمزد و به هدف سو استفاده های متعدد که نه جامعه نه خانواده و نه قانون هیچ حمایتی از زنان نمی‌کنند. مثلا در محل کار اگر مورد آزار جنسی و غیره صاحب کار یا مسئول دولتی قرار بگیری، مجبور می‌کنند سکوت کنی تا آبرویت حفظ شود. آن آبروی که در یک جامعه و دولتی که خود فاقد کوچکترین شرف و آبرو است وقتی چنین رفتاری با زن دارند. چنین "محبتهای" برای "خانمها" در کشور بطور وسیع قابل روئید است. در حالی که برای مسائل مهم کشور داری هزارو یک آیه قران و قانون و آخوند بی عرضه را برایت می‌آورند که زن این و آن را حق ندارد!

اگر بخواهم کوتاه حرف دلم را بگویم واقعیت این است که اکثر زنها در حال تلاش و چرخاندن خانواده و پول درآوردن و تحمل سواستفاده کار فرما و تحقیر و توهین هر روزه آخوند و مردان عقب مانده و فرهنگ پوسیده هستند، و بخشی از مردهای سنتی و اسلامی نیز بیکار و عیاش و در خیابانها بدنبال ناموس مردم و مورد حمایت ماموران دولتی اند چون کارت شهید و بسیج و غیره توی جیبشان دارند. و خلاصه کنم که این نوع مشکلات باعث شده که تلاق بیشتر شود و خانواده‌ها از هم بپاشند. بچه‌ها در این میان آواره و بی پناه خواهند ماند و معلوم نیست چه سرنوشتی پیدا میکنند.

در ادارات به علت وجود افراد نالایق همه کارها با داشتن پارتی و آشنا روبرو می‌شود. در کمیته امداد باید به خواسته هاشون جواب بدهی تا چندر قاز پول به کارتت واریز بشود. باید با "ستاد اماکن" همکاری باشی تا مجوز آرایشگاه را برایت صادر کنند. اینها فقط چند نمونه اند که بیشتر زیان دیدگان آن زنان هستند. در همه جا کثافت کاری و حق خوری و ظلم و زور و بازی کردن با شخصیت زن و جایگاه واقعی او در جامعه در جریان است. هیچ امیدی برای بهتر شدن اوضاع را نمیتوان تصور کرد مگر اینکه دولتی بیاید سر کار که همه دولتی‌ها و اسلامپها و قانون گذاران کنونی را برکنار و مجازات کند. و زنان را کمک کند تا به موقعیت شایسته خود بازگردند. برای رسیدن به این هدف تلاش و مبارزه و به میدان آمدن تک تک زنان ایران ضروری است.

حزب سوسیالیست انقلابی برای آزادی بی قید و شرط زن، برابری زن و مرد در همه شئون، و پایان دادن به کلیه قوانین مذهبی و سنتی و مردسالارانه که علیه زنان عمل میکند مبارزه میکند. سرنوشتی جمهوری اسلامی ضد زن قدم نخست رسیدن به این هدف است. حزب، همه زنان آزادیخواه را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند

ما زنان در عصر حاضر بواسطه موقعیت و جنسیت خود، علاوه بر مسائل متعدد دیگر، از نظر اقتصادی متحمل آسیب های گوناگونی می‌شویم، از آن جمله می‌توان به مسئولیت تأمین مالی خانواده با خود اشاره داشت، این بخش از زنان با عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شوند، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مطابق شرع و عرف جامعه، مردان سرپرست خانوار بوده و مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده را بر عهده دارند، در حالیکه کلیه زیر ساختهای اقتصادی جامعه مردانه است و فرصت اشتغال بانوان بسیار محدود است و به همین دلیل زنان سرپرست خانوار در جهت تأمین منابع مالی خانواده دچار عسر و حرج و سختیهای فراوان می‌شوند.

موقعیت فرودست اقتصادی و دیگر قوانین و سنن حاکم و جاری بر کشور زنان را در جامعه و در خانواده در موقعیتی بسیار شکننده ای قرار داده است، حداقل زنان مربوط به طبقه کارگر و زحمتکش را. زنان که پایه و اساس اصلی خانواده و پرورش کودکان را بر دوش دارند و نصف جامعه است و بدون او زندگی و بازتولید انسان معنی ندارد، در صورتی که نتواند "وظیفه" خانه داری و بچه داری و مراقبت از همسرش را بنا به فرهنگ جاری مرد سالارانه و اسلامی انجام بدهد فاجعه جبران ناپذیری در پی خواهد داشت.

در سرزمینی که با شعار و حرفهای تو خالی دم از موقعیت والا بودن "زن و مادر" میزنند ولی در عمل چیز دیگری است. در این سر زمین نه پشتوانه ای مالی، نه امنیتی، نه دولتی و قانونی برای زن، و به ویژه برای زنان کارگر و زحمتکش و زنان آگاه که به این شرایط معترض هستند وجود ندارد. متأسفانه عده‌ای از زنان چندان اهمیتی به این وضعیت و این نابرابریها و این همه حقارت نمی‌دهند، انگار که ما به دنیا آمده ایم برای این نوع حقارت و ظلم و لجن پراکنی و نابرابریها و ارزا کردن یک مشت آدم بی سرو ته مذهبی و قرون وسطی! متأسفانه در بین تعداد زیادی از خانوادهها قبول کردن و تحمل کردن این همه ظلم و بی عدالتی و زور گویی مسئله ای حل شده و جا افتاده است. زن اگر بخواهد از حق و ارزش و ایده اش حرف بزند سرکوبش میکنند. او را به جرم سرکش و آشوب ووووو محکوم میکنند.

در این سرزمینی که دم از حجب و حیا، دم از نام و لقب بزرگ مادر، و دم از آزادی و برابری زن (طبق قانون کاملاً ضد آزادی و برابری زن بودن خودشان) میزنند متأسفانه به بدترین و فجیع ترین شکل ممکن به زن حتک حرمت می‌شود. از او به انواع مختلف سواستفاده می‌شود.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

ضرورت افزایش حداقل دستمزد و ایجاد صف و تشکل مستقل کارگری

بیژن کلهر

اگر کارفرما انتظار مخالفت متمرکز و جمعی نمی داشت، بخاطر منافع شخصی خویش مزدها را به سطح هر چه کمتری کاهش میداد.
فریدریش انگلس

مستقل کارگری-آزادخواهی علیه سرمایه داران حاکم بر ایران و دولت ضد کارگری و اسلامی آنها.

در مبارزه برای افزایش دستمزد و مبارزه علیه استبداد و استعمار حاکم تنها به محل کار خود اکتفا نکنیم. صدای بر حق خود به گوش کل جامعه از جمله همه بخشهای کارگری، جنبشهای مترقی زنان و جوانان و معلمین و غیره برسانیم و آنها را به حمایت از خود ترغیب کنیم. چرا که هر قدم پیروزی ما بر ارتجاع سرمایه داری و دولت مستقیما به معنی پیروزی و نفس کشیدن راحتتر بقیه اقشار مبارز و معترض در سراسر ایران نیز هست.

پیروزی باد جنبش آزادخواهان کارگران و زحمتکشان، پایدار و پیروز باد پیشگامان حزب سوسیالیست انقلابی ایران

ایران این پتانسل را دار همانطوری که پشت شاه مستبد پهلوی را شکاند میتواند زمینه ساز سرنگونی جمهوری اسلامی به نفع خود باشد. مبارزه جدی در عرصه اقتصادی تلاش برای بدست آوردن موقعیت معیشتی بهتر به کارگران قدرت رویارویی بیشتر خواهد داد.

جنبش سوسیالیستی ما و رهبران آن با چشم انداز راه اندازی اعتراض و اعتصاب سراسری علیه رژیم که ۳۹ سال است زندگی کارگران و کودکان و خانوادههای آنها را با مرگ و نابودی روبرو کرده میتوانند پایه های اتحاد و تشکیلاتی کارگری را در مراکز کوچک و بزرگ فراهم نمایند و برضعف و تشدد کنونی فایق آیند، غلبه بر این کمبودها و واقعیتها به معنی هموار کردن ملزومات شروع مبارزه نهایی با اهداف و خواست و پرچم سوسیالیستی و ایجاد صف

تا کارگران بتوانند به زندگی فقر و طاقت فرسایشان ادامه بدهند. افزایش دستمزد حق طبیعی کارگران و از طریق نمایندگان منتخب خود کارگران باید متحقق گردد نه بنا به تصمیم دولت و سرمایه داران در قالب شورای عالی کار که خود یک نهاد دولتی برای تحمیل دستمزد کمتر به طبقه کارگر ایران است. کارگران خود به خوبی آگاهند که نیروی مسلح و سرکوب دولتی پشتیبان و حامی سرمایه داران خون اشام هستند که در صورت اعتراضات پراکنده کارگری از جمله برای مطالبه حداقل دستمزد کنونی خود و پس گرفتن دستمزدهای معوقه همانند موارد متعدد پیشین چون سگ وحشی به کارگران حمله خواهند کرد. اماره حل خنثی کردن هر نوع تعرضی به کارگران اتحاد یکپارچه آنها و سراسری کردن خواستهایشان و تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل از دولت است.

کارگر اگر به قدرت شکست ناپذیر خود به خوبی پی ببرند و آگاه باشند، دشمن از توان کارگران بیکره اش به لرزه می افتد. فعالین کارگری با تلاش خود کارگران را به قدرت مبارز خودشان آگاه و آماده برای مبارزه کنند. رژیم ضد کارگری ایران سالهاست که پیکرش ترک برداشته اما کسی نیست او را به اندازد. این رژیم از قدرت متحد و مطالبه رادیکال و سوسیالیستی کارگران بیش از هر اعتراض دیگری وحشت دارد. در صورت رفع کمبودها و موانعهای کنونی طبقه کارگر

رژیم سرمایه داری اسلامی در شرایطی که با بحران اقتصادی روبرو است و عوارض تحریمهای گذشته و کنونی بر آن سنگینی میکند، بیش از پیش با مشکلات اقتصادی روبرو شده طوری که در صدد است با زدن سفره بی رونق کارگران و مردم کارکن و زحمتکش نه تنها بر بحران خود فایق گردد که هزینه و بودجه دستگاههای سرکوب و فریب خود را نیز بالاتر ببرد! از آنجا افزایش مواد اولیه کالا که خارج از کشور خریداری می شود و سرمایه بدلیل مشکلات کنونی اش به سودهای مورد نیاز گذشته از این طریق دست پیدا نمی کند، لذا سعی دارد برای جبران آن به گسترش بیکاری و خط فقر و کاهش باز هم حداقل دستمزد ماهانه میلیونها کارگر، کمر کارگران بیشتری را زیر تورم سر سامان آور خم کنند تا هدف اقتصادی جنایتکارانه خود را تامین نمایند.

کارگران برای زنده ماندن باید سطحی از دستمزد حداقلی داشته باشند که توان خرید ماست و سبزی و نان را داشته باشند تا از نو بتواند روز بعد برای فروش نیروی کارش به سر کار برود. طبق تصمیم و مطالبه برخی از خود کارگران در ایران برای این مقطع و سال آینده افزایش حداقل دستمزد باید به سطح خط فقر یعنی حداقل ۴ میلیون تومان برسد



زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

پیام سندیکای کارگری شرکت نیشکر هفت تپه، به کارگران هفت تپه، تشکل های و فعالین جنبش



امروز رشد اعتراضات کارگری بستر بسیار مناسبی برای تشکل یابی طبقه کارگر در ایران است. تشکل توده ای و طبقاتی کارگران محصول مبارزه و محصول برافراشتن پرچم رادیکال و سوسیالیستی طبقه است. بدون شک تشکل یابی طبقه کارگر نمی تواند در خلاء انجام گیرد که صد البته این نوع اقدامات اگر از طرف دیگر جنبشهای پیشرو جامعه نظیر جنبش زنان و جنبش دانشجویی و معلمین مورد حمایت قرار گیرد توان پیشروی بیشتری خواهد داشت.

امروز در کنار کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و دیگر مبارزات و اعتراضات کارگری به ویژه در این دوره حول افزایش حداقل دستمزد لازم و ضروریست که فعالان و پیشروان کمونیست جنبش کارگری نیز با تمام توان خود حضور داشته باشند و نقش متحد و رهبری کننده خود را ایفا نمایند. گسترش ارتباط فعالین و پیشروان کارگری بخش های مختلف جنبش کارگری با یکدیگر، بطوریکه بتوانند مبارزات کارگران را در محدوده های هرچه وسیعتری به هم مربوط سازند، هم پیش درآمد ایجاد تشکل های نیرومند کارگری است و هم راه را برای سراسری شدن این مبارزات هموارتر می سازد. آغاز چنین روندی، تحولی در جنبش کارگری ایران محسوب می شود و شبکه مرتبط پیشروان و فعالین کارگری است که زمینه ساز چنین تحولی خواهد بود.

حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی جزئی از این مبارزه و خود را در کنار هر سطحی از تلاش مسئولانه فعالین جنبش کارگری علیه دولت و سرمایه داران حاکم بر ایران می بیند.

کارگران نیشکر هفت تپه و راه پیروزیهای موثر کدامند؟

عزیز آجیکند

مرزهای دیگر شهرها و کارخانجات و مراکز تولیدی را درنوردید و همراه و همگام با دیگر کارگران ایران، مرزهای پیروزی را فتح و سرنوشت دیگری را برای طبقه کارگر ایران رقم زد و این جنبش را وارد عرصه دیگر از فعالیت های کارگری در جامعه ایران کند. کمبود که به آن اشاره گردید متأسفانه کمبود کل جنبش و طبقه ما و مبارزات بر حق آن علیه سرکوب و تعرض دولت و کارفرمایان حاکم بر جامعه ایران است.

تا به امروز کارگران بخش های مختلف شرکت نیشکر هفت تپه پیشینه مبارزاتی طولانی در مبارزه برای تحقق خواست هایشان دارند. اعتصاب اخیر کارگران نیشکر هفت تپه نسبت به حرکت ها و اعتراض های دیگر کارگری در دو سه سال گذشته در محتوای خود، در صورت زودن رنگ بوی مذهبی از برخی حرکات، یک گام رو به جلو می باشد. خواست افزایش دستمزد و اعتصاب و اعتراضات پی در پی کارگران این شرکت به عنوان مطالبه کلیدی اقتصادی خود و هم طبقه هایشان در بیشتر این اعتصاب ها و اعتراض ها از طرف آنها مطرح شده و سیمای تعرضی تری در مقایسه با گذشته به مبارزانشان داده است.

گسترش این اعتراضات و اعتصابات در هر شکل و شیوه ای نقش تعیین کننده ای در زنده نگه داشتن و تقویت فضای مبارزاتی و باز کردن فضای سیاسی در جامعه

اعتصاب صدها کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در روز شنبه ۱۷ هم آذر ماه در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی و پاره ای مطالبات دیگر بعد از ۵ روز با کسب بخشی از مطالبات و قول کارفرما به عمل کردن به بقیه مطالبات بطور مشروط پایان یافت.

در این چند روز از اعتراض و اعتصاب، کارگران هفت تپه برگ دیگری از فعالیت پر افتخار خود را در ماهها و روزهای اخیر گشودند که جای حمایت و ستایش میباشد. با این وجود تجربه مبارزات پی در پی کارگران در هفت تپه و دیگر مبارزات گسترده که بطور پراکنده در سراسر کشور در جریان است، یک درس و پیام بزرگ برای جنبش ما دارد: اینکه مبارزات محلی و فابریکی، ضمن ضرورت های که در انجام آن نهفته است، اما به تنهای جوابگو نیاز مبارزه امروز ما نیست. مبارزات تنها و محلی ما بدون حمایت و پیوستن عملی بخشهای دیگر طبقه کارگر نمیتواند آنطوری که لازم است به هدفش برسد، و کارفرما و دولت را وادار به عقب نشینی نماید و بلاخره تناسب قوای نابرابر کنونی را به نفع جنبش طبقه کارگر تغییر دهد. در صورت داشتن چنین افقی و آماده سازیهای قبلی برای آن همین حرکت و اعتصابی که به خوبی آغاز شد در ادامه نیز می توانست با پیوستن و حمایت بخشهای دیگر کارگری همراه گردد.



بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

فقر بی حد و مرز در یک کشور بسیار ثروتمند

حسن حسینی

فقر بی حد و مرز در ایران مملو از ثروت و منابع به اوج خود رسیده است. ورشکستی آن مملکت و زندگی میلیونها خانواده جدیدست. سوال هر روزه خیلی ها است که در این مملکت قشر کم درآمد یا خانواده های بیکار و بی سرپناه چه کارکنند که از این وضعیت درد آور رها شوند؟ خانواده های کم درآمد و بیکار دارند از هم می پاشند، دخترهای ۱۰ساله به دام بزهگاران و آینده وحشتناکی کشیده شده اند. فقر و نداری هزاران زندگی را از هم پاشانده است، هزاران انسان شریف دیگر در این کشور "عدل الهی" به گدای و به فساد اخلاقی و ده ها کار دیگر برای بدست آوردن یک لقمه نان روی آورده اند. اما همزمان در کنار این ویرانیهایی تعدادی دیگر، دولتی و آخوند مفت خور و کارمند و سپاهی آنقدر سرمایه و ثروت انباشت کرده اند که خودشان نیز نمیدانند چکارش کنند. لعنت به این دنیا! لعنت به این نظام! لعنت به این مملکت!

واقعا اوضاع درد آور است من خودم اخیرا در سفرهای در چندین شهر بزرگ و کوچک ایران شاهد این زندگی جهنمی بوده ام، همه آه و ناله دارند از دست این وضعیت. چرا باید این شرایط را تحمل کرد؟ آنهم در کشوری که با ذخایرهای نفت و طلا و گاز و کوههای پرازسنگ گران قیمت و هزارها امکانات دیگر باید چنین مردمی گرسنه ای داشته باشیم؟ آیا این مردم کارگر و زحمتکش و زنان و دختران ما باید کم بها تر باشند از نیروهای تروریست و اسلامی های سوریه و یمن و لبنان و عراق و چند کشور دیگر که هر روز میلیاردها دلار هزینه شان میکنند.

ما باید در این راه چاره های به اندیشیم. با متحدبودن. با هم فکری بودنمان می توانیم این رژیم اخوندی و مستبد و دزد را از سر راه برداریم. چرا باید تحمل کنیم وقتی در این کشور ثروتمند دخترها و پسرهای عزیز و خرد سال بی سرپنا با روشن کردن کاغذ در کنار زباله ها برای خود گرما ایجاد کند تا نمیرند؟ چرا همزمان شاهد هزینه کردن میلیاردها تومان برای نیروهای سرکوبگر و آخوند و مسجد و برای تروریستها در کشورهای دیگر بود اما شرم نکرد که میلیونها خانواده و کودک گرسنه و خیابانی و بی سرپناه و گرسنه داریم.

هر چه جلوتر میرویم اوضاع خرابتر میشود هر سال بدتر از سال پیش است، هر چه دیرتر بجنیم بدبختی و فقر و تحقیر و انسانیت مان بیشتر به گرو گرفته میشود. باید از خود و حرمت و حق و حقوق خود دفاع کرد. و این وظیفه هر کسی است که مانند من دلش به درد آمده وقتی این اوضاع را هر روز مشاهده میکند. هیچ نجات دهنده دیگری نیست جز خودمان، ۳۹ سال تجربه این واقعیت را به هر کودکی هم فهمانده است. ننگ بر جمهوری اسلامی ایران!

پیام سندیکای کارگری ...

اما باید یادآور شویم که سندیکای هفت تپه طی یک مبارزه طولانی و رو در رو و تحمل رنج ها و مشقات فراوان، اخراج و زندانی شدن تعدادی از پیشروان کارگری ایجاد شد و با توجه به تمام فشارهای امنیتی، این سندیکا تا کنون به کار و فعالیت خود ادامه داده است. اما متاسفانه اندک افرادی که خود را مدافع جنبش کارگری دانسته به هر دلیلی، آگاهانه نقش و جایگاه سندیکای کارگری هفت تپه را نادیده می گیرند که این نگاه کاملا غیر کارگری می باشد. پیشروان و فعالین جنبش کارگری باید کارگران را به ایجاد تشکل های مستقل کارگری رهنمود شوند و آنجا که تشکل های کارگری ایجاد شده اند، باید کارگران را تشویق به عضویت در تشکل محل کارکنند.

بنا بر این باور ما بر این است که منافع جنبش کارگری با نگاه های تنگ نظرانه و گروهی همخوانی نداشته و ندارد. پس باید با نگاه جنبشی به منافع طبقه کارگر نگاه کرد تا بتوانیم در کنار هم، مبارزه طبقاتی کارگران را به پیش ببریم. ما در شرایطی زندگی می کنیم که سرمایه داری شمشیر خود را از رو بسته و سعی می کند بیشتر از گذشته سفره بی رونق ما را بی رونق تر کند، دلیل گفته ما بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۹۷ می باشد که آشکارا فرار است بار تمام مشکلات را بردوش کارگران بیاندازد و نه تنها نان را از ما بگیرند بلکه همان خدمات ناچیز را از ما دریغ کنند. پس لازم است با برنامه عمل کارگری، برای داشتن نان و آزادی مبارزه کنیم. ما بعنوان سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه خواستار اتحاد عمل هر بیشتر تشکل ها کارگری در ایران هستیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران
نابود باد نظام سرمایه داری
سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه
آذر ماه ۱۳۹۶
syndica_7tape@

اما با توجه به تمامی موارد ذکر شده باید به کارگران هفت تپه تبریک و شادباش گفت. تبریک به شما و همسران و دیگر اعضای خانواده های کارگری که در چند روز گذشته در کنار هم بودید و با توجه به تمامی دسیسه های تفرقه افکنانه آشکار و پنهان حامیان سرمایه، شما از صف کارگری جدا نشدید و با اتحاد و همبستگی توانستید به صاحبان سرمایه، ثابت کنید که ما درد مشترک داریم و این دردمشترک تنها درمان نمی شود.

به این ترتیب ما اعضای " سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه" این پیروزی بسیار موقت و همچنین عقب نشینی موقت صاحبان سرمایه در این عرصه را به شما شاد باش گفته و دست یکایک شما را به گرمی می فشاریم.

تشکل های کارگری و فعالین کارگری ؛

ما بعنوان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از همگی شما که در این مدت اخبار اعتصاب کارگران را به اشکال گوناگون از طریق سایت های مربوطه و دیگر صفحات اجتماعی از جمله تلگرام، فیس بوک و اینستاگرام انتشار داده اید بسیار ممنون هستیم. همچنین از تمامی تشکل ها و فعالینی که تلاش کردند اخبار و گزارشات کارگران هفت تپه را از طریق کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه syndica_7tape@ بال کنند و این اخبار را از طریق صفحه رسمی تلگرام سندیکا بازانتشار دهند کمال تشکر را داریم.

روایتی تکان‌دهنده از کودکان زباله‌گرد افغانستانی در کرج



خبرگزاری هرانا چند دقیقه‌ای که در محل بازیافت زباله می‌ایستی، سینه‌ات به خس خس می‌افتد. آنقدر زنبور و پشه و مگس توی هوا هست که اگر چند لحظه‌ای غافل شوی، وارد دهانت می‌شود. ساعت ۸ صبح، کمی بالاتر از میدان والفجر کرج درست در مرکز شهر، در یکی از مراکز بازیافت زباله هستیم. نرگس صحرانورد، فعال حقوق کودکان همراهی‌مان می‌کند. مهم‌ترین دغدغه این روزهای او، رسیدگی به وضعیت بهداشتی و سلامت این کودکان است.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایران، ۷۰ مرد که ۳۰ نفرشان زیر ۱۸ سال سن دارند، همین جا زباله‌هایی را که جمع کرده‌اند به پیمانکار تحویل می‌دهند و مزد می‌گیرند. گفته‌اند ساعت ۸ صبح اینجا باشیم تا بچه‌ها را که با گاری دستی‌هایشان از کاسبی اول صبح برمی‌گردند، ببینیم. اینجا فقط محل کارشان نیست که محل زندگی‌شان هم هست. در میان زباله‌ها برای خودشان آلودگی‌هایی ساخته‌اند و زندگی می‌کنند.

صبغت‌الله ۱۲ و عبدالله ۱۷ ساله را مقابل سوله‌شان می‌بینم. چند دقیقه‌ای است از کاسبی برگشته‌اند و می‌خواهند چایی بنوشند و دوباره راهی شوند. هر دو مثل اغلب ساکنان اینجا اهل هرات افغانستانند.

صبغت‌الله ساعت ۵ صبح از خواب بلند شده و رفته کاسبی: «قاجاقی آمدم ایران. روزی ۲۰-۳۰ هزار تومان مزد می‌گیرم اما مزدمان را به خودمان نمی‌دهند، می‌فرستند برای خانواده».

سوله‌شان را نشان می‌دهد؛ یک اتاق خیلی کوچک با ابتدایی‌ترین وسایل زندگی بدون در و پیکر.

—صبغت‌الله زمستان‌ها اینجا چطور زندگی می‌کنید؟

—زندگی می‌کنیم دیگه. آتیش روشن می‌کنیم. چیکار کنیم دیگه؟

—دستشویی کجا می‌روید؟

—همین جا لای خاک‌ها.

—سرویس بهداشتی ندارید؟

—نه.

—پدر و مادران می‌دانند زباله‌گردی می‌کنید؟

—آره می‌دونند آشغال جمع می‌کنیم.

یک سوله سیمانی را که کمی با ما فاصله دارد، نشانم می‌دهد: «اونجا برای خودمون حموم درست کردیم.» هیچ آب لوله‌کشی در مرکز وجود ندارد. بچه‌ها و بزرگترها از آن طرف میدان والفجر و از تانکر گوسفندفروشی با دبه برای خورد و خوراک و مختصری شست‌وشو آب می‌آورند.

عبدالله می‌گوید: «شهرداری پول می‌دهد ما اینجا زندگی کنیم. لباس هم داده. ببین!» راست می‌گوید. همه بچه‌ها یک لباس فرم نارنجی و سیاه بر تن دارند. پشت لباس نوشته شده مجری طرح تفکیک از مبدأ.

نرگس صحرانورد همین‌طور که ما را همراهی می‌کند، از بچه‌ها درباره وضعیت سلامتی‌شان هم می‌پرسد. سوالاتی مثل اینکه «دکتر رفتی؟»، «دندونت چطوره؟»، «وقت دکترت رو از دست ندی؟»، «وقت گرفتن دوباره سخته؟»، «واکسنت رو زدی؟»

نرگس می‌گوید: «بچه‌ها همه‌شان مریضند، بیشترشان سوء تغذیه دارند. دائم گلودرد، دندان‌درد، دل‌درد و سوء تغذیه. ۷ ماه است می‌آیم و می‌پریشان دکتر. تو بگو کسی اینجا با بوی زباله و کنار این همه آشغال زندگی کند، سالم هم باقی می‌ماند؟»

عبدالله می‌پرد توی حرف‌هایمان و خطاب به نرگس می‌گوید: «تازه موش‌ها هم هستند. یادته زیر اون سوله مرده بودند؟ هفت هشت تا بودند، خیلی بوی بدی می‌دادند. آوردیمشون بیرون. شب‌ها حمله می‌کنند.»

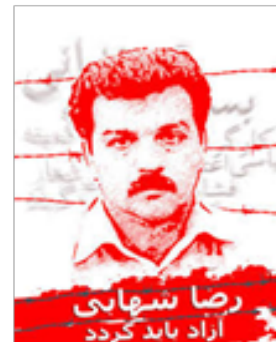
موش‌ها یکی از تهدیدهای اصلی زندگی بچه‌ها هستند. آن‌طور که نرگس هم برایم تعریف می‌کند زیر یکی از آلودگی‌ها مرده بودند و بوی تعفنشان همه جا را برداشته بود و بچه‌ها همه با هم دل‌درد گرفته بودند.

چند روزی هست موش‌ها را از زیر سوله‌ها درآورده‌اند. ربان ۱۰ ساله با آن جثه و قامت کوتاهش از راه می‌رسد. ساعت ۸ و نیم صبح است.

ادامه در صفحه ۹

رضا شهابی در زندان سکتة کرده است

آذر ۲۳، ۱۳۹۶



در ملاقاتی که روز چهارشنبه خانواده با رضا شهابی در زندان داشته است نیمه چپ صورت رضا افتادگی داشته و زیر چشمش نیز فرو رفتگی خاص داشته است. و رضا گفته به پزشک زندان که مراجعه کردم؛ به من گفته سکتة خفیف کرده‌ای.

پزشک متخصص پیش از این تشخیص داده بود شهابی توان جسمی تحمل زندان ندارد. علاوه بر این رضا مکرر فشار خونسش بالا بوده و در زندان خون دماغ شده است. سر دردهای شدید مکرر داشته است. ولی مسولین زندان و دادستانی تهران بی توجهی کرده‌اند و هر از گاهی با تأخیرهای بدون توجیه وی را برای معاینه به بیمارستان اعزام کردند و به تشخیص پزشک متخصص هم توجه نکردند تا اینکه متأسفانه این کارگر زندانی سکتة کرد. حتی پس از سکتة نیز برای معاینه و جلوگیری از تشدید بیماری اش به بیمارستان اعزام نشده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تأکید می‌کند محکومیت حبس رضا شهابی پایان یافته است. علاوه بر این پزشک متخصص تشخیص داده که شهابی از نظر جسمی توان تحمل کیفر ندارد و سکتة وی و نشانه‌های قابل مشاهده حال وی نیز گویای درستی تشخیص پزشک متخصص برای آزاد کردن شهابی می‌باشد. بنابراین ادامه زندان ایشان را می‌توان تصمیم به حذف تدریجی این کارگر زندانی تلقی کرد. رضا شهابی بنا بر آنچه گفته شد باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد. و سندیکا نهادهای امنیتی و دادستانی تهران و مسولین زندان را مسئول حفظ جان کارگر زندانی رضا شهابی می‌داند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن ربا زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

سوره بقره (آیه ۵۴):
"...و یاد کنید وقتی که موسی به قوم خود گفت ای قوم من شما محققا ظلم به نفس خود کردید که گوساله پرستی اختیار نمودید پس توبه کنید بسوی خدا و به کشتن یکدیگر تیغ برکشید این در پیشگاه خدا بهتر (کفار عمل شما) است و توبه شما پذیرفت که خدا توبه پذیر و مهربان است..."

وجه مشترک آیات ۵۳ و ۵۴ یادآوری قوم یهود در صدر اسلام است که می خواهد آنانرا به هزار سال قبل از دین محمد ببرد و تصویر ساختگی تخیلی ذهنی را در تفکر قوم بنی اسرائیل حک نماید.

(آیات ۵۵ و ۵۶): "... و بخاطر آرید وقتی را که گفتید ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم تا اینکه خدا را آشکار ببینیم پس شما را صاعقه آتش در گرفت و آنحال را بچشم خود مشاهده مینمودید - پس برانگیختیم شمارا بعد از مرگ که شاید خدارا شکر گزارید..."

اینگونه بنظر میرسد که نویسنده اطلاعاتی در مورد تورات و دیگر ادیان داشته که توانسته با هوشیاری و زکاوت وزیرکی عناوینی در این کتاب به مردم ارائه دهد تا بتواند به هر قیمتی آنان را زیر سیتره خود ببرد و بکارگیری داستان پس از مرگ هم جهت ارباب و ترساندن ایشان بوده.

(آیه ۵۷): "...و قرار دادیم برای شما ابر را سایه بان و فرستادیم (من و سلوی) را (گفتند مرغ بریان و ترنجبین مراد است) و گفتیم بخورید از این روزیهای پاک و پاکیزه که به شما دادیم و (شکر این نعمت را که بجا نی آوردند) نه بما بلکه بنفس خود تم کردند..."

در آیات ۵۵ و ۵۶ حضور نیروی برتر توسط نماینده جادوگرش برای به تصویر کشیدن قدرتش در گذشته دورانسانرا به عمق تخیل توهم و ترس جهت تغییر مسیر هر آنچه که یهودیه آن اعتقاد داشته میباشد، حال در آیه ۵۷ چونکه تا آن زمان کسی نتوانسته بود علم هوا و هواشناسی را کشف کند به رخ کشاندن ابرهای آسمان و تسلط نیروی فوق انسانی و هدایت آن برای بشر آنروز ناشناخته و گنگ بوده و همین موضوع باعث از هم گسیختگی درون انسان در آن زمان شده است.

(آیه ۵۸): "...و بیاد آرید وقتی که گفتیم داخل شوید به این قریه (بیت المقدس) و از آن هر چه که میل دارید بخورید که فراوان و بی زحمت برای شما مهیا است و از آن درسجده کنان داخل گردید و بگوئید خدایا ببخش ما را تا از خطای شما درگذریم و بر ثواب نیکوکاران بیفزاییم..."

باز گو کردن آیات تورات آنها به گونه ایی دروغین یکی از هزاران ترفندهای نویسندگان کتب دینی است که می خواهند بوسیله آن به نوایی برسند، جمعیت این کره خاکی

نزدیک به هشت میلیارد نفر میباشد. اگر کسی در میان آنان باشد که بدون زحمت یا اعمال استئمار بر دیگری به نوایی رسیده باشد شماها راست میگوئید!!!

تازه ما شاهد آن هستیم که روزانه هزاران نفر با وجود تلاشهای بسیار برای قوت روزانه خود از فقر و گرسنگی در اقصا نقاط جهان به دل خاک سپرده میشوند و میمیرند. این در حالیست که در میان آنان تنوع ادیان را هم میبینیم. دین همانند تله ایی است که با پاشیدن دانه برای صید خود می خواهد بر اسیران و بردگان خود جهت استئمار بیشتر بیفزاید.

(آیه ۵۹): "... پس از آن ستمکاران حکم خدا را تبدیل بغیر آن نمودند ما نیز غذایی سخت از آسمان فرستادیم بکیفر بدکاری و نا فرمانی ایشان..."

پاشیدن دانه جهت شکار انسان اینجا دیگر به اتمام میرسد و اکنون زمان بردگی و برده داری زمامداران دینی است که خود را وارث و صاحب زمین و زمان میخوانند. یکی از دلایل پذیرش دین توسط انسان عدم شناخت درونی و نادیده گرفتن تواناییهایش بوده است. تضادهای تودرتو و بیبایی، تهدیدهای مکرر، پادشاهی با بهره های سنگین و جبران ناپذیر، گنگ و نامفهوم بودن کتب دینی، نا برابری و بی عدالتی، دیکتاتوری و استعمار، کوچک و حقیر شمردن انسان، چهارچوب تنگ و ترس و بی خاصیت، توهم و ترس، بوجود آوردن نفاق و دور کردن انسانها از یکدیگر، وارد شدن به حریم خصوصی افراد، تعیین قوانین دست و پاگیر و نابود کننده، نفاق انداختن بین مذاهب و درگیریهای خونین بخاطر

تفسیر چرند کتب دینی، عقب ماندگی بشر از تمدن و پیشرفت صنعتی، واگذار کردن بلایای طبیعی به نیروی مافوق و دست روی دست گذاشتن، بالا بردن سطح خودخواهی و خودمحوری، نابرابری حقوق زن و مرد، بوجود آوردن نظام سرمایه داری و برده داری، ناتوان شمردن بشریت و عجز او از خلقت و نادیده گرفتن تواناییهایش و وو از "دست آوردهای" کتب دینی هستند!

(آیه ۶۰): "...و یاد آرید وقتی که موسی برای قوم خود به جستجوی آب برآمد و ما به او دستور دادیم که عسای خود را برسنگ زن پس دوازده چشمه آب از آن بیرون آمد و هر سبطی را آبشخوری معلوم گردید و گفتیم که بخورید و بیاشامید از آنچه خداوند روزی شما کرده و در روی زمین بنابکاری و فساد کردن بر نخیزید..."

من میدانم چرا عسای موسی نفت را کشف نکرد و بواسطه آن مردم نمیتوانستند رو بسوی صنعتی شدن بروند و این همه سال بشریت تاوان و خسارات جبران ناپذیر را متحمل نمیشد. استعداد موسی در سه چیز بوده: آب رودخانه را کنار زده، آب را از دل زمین بیرون آورده، و تولید مارو افعی کرده است. یعنی نمیتوانست برق را اختراع کند و مردم از نور و روشنایی آن بهره مند شوند. داستانهای بلند بالای شتر گاو پلنگ همه و همه در خدمت فریب اذهان عمومی بوده،

اینکه دین اسلام از این موضوع جهت بهره برداری و استئمار انسانها استفاده کند... ادامه دارد
زنده باد کارگر نابود باد حاکمیت دینی - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

به بانوان سرزمین در تسخیر خرافه‌پرستی و جهل

گلاویز عبدیکانی



بانوان سرزمین اشغال شده‌ام، برای شما می نویسم، شما که شانه‌های نحیف تان زیر بار سنگین قوانین ضد زن اسلام و زن ستیز جمهوری اسلامی چموده است.

برای شما بانوان سرزمین اسیر در چنگال خرافه‌پرستی ام، در این دیار نوشیدن می و یا حتی ذره‌ای شادی و پایکوبی راجرم می انگارند و ان را بهانه و دستاویزی برای سرکوبت قرار میدهند، در صورتی که این شغالان زالو صفت که خون مردم را حریرانه قطره قطره می مکنند، در خلوتگاههایشان جام به جام می را سرکشیده و در منجلاب فسادشان می لولند.

میدانم در طول دورانها رنجهای بسیار کشیده‌ای، به کنیزی برده شدی، همچون متاعی داد و ستد شدی و نامش را نهادند خانه‌ی بخت، اعدامت کردند، شکنجه‌ات کردند، جسمت را همچون ملکی صادره نمودند و مالکت شدند، ولی تو هنوز هم هستی و خواهی بود، چون تو زن هستی.

بی پناهی، نامانی، تعرض، تهدید، تحقیر، بی حقوقی، تبعیض و وحشتناکتر از همه "شلاق"، مواردی از صدها شکنجه و ناعادلتی که در حقت روا داشته میشود تحت لوای قوانین اسلامی.

حکم شلاق وسیله‌ای برای به زنجیر کشیدن و سرکوبت است، که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این خشونت جلوه‌ی قانونی به

خود گرفته و برای سرکوب زنان سنت شکنی که حاضر به سکوت در مقابل زیاده خواهی های یک مشیت اخوند، نیستند، صادر میشود.

در این دیار عاشق شدن زن، نه گفتنش به حجاب اجباری، جرم است و تاوانش شلاق.

بانوی ام، قامتت همچون درختی ریشه‌دار است. درختی که ریشه‌های استقامتش را در اعماق تاریخ دوانده است. ریشه‌هایت چنان استوار محکم ات نموده‌اند، که تازیانه‌های دلفکان انسان نما، که همچون تیشه‌ای بر قامتت فرود می آیند نیز نمی تواند صلابتت را بر هم زده و قامتت را خم نمایند و چه احمقند کسانی که می پندارند، می توانند اینگونه تو را تسلیم خواسته‌هایشان کنند. نمیدانند تو ایستاده‌تر از قبل، شاخه‌هایت را تا بیکرانها می گسترانی و تنگ نظرانت را زیر سایه‌ی شاخ و برگ‌هایت گم می نمایی. نمی دانند تو مبارزتر از قبل و کوشاتر از پیش، ثمره‌ی تلاشت را چه سخاوتمندان به نسل های دیگر منتقل می کنی. این است رمز بقایت بانو، پروراندن اسطوره‌های مقاومت در دامن خود.

بانوی سرزمین من، آنگاه که سارقان آزادی تاب و توانای شنیدن فریادهای "نه" گفتن ات به ظلم و بیدادشان را ندارند، محکومت میکنند به تحمل ضربات شلاق. یا فرود آوردن هر تازیانه بر قامتت، جلادان سیه‌دل قهقهه‌های مستانه سر میدهند در بزم به ظاهر پیروزی

روایتی تکان‌دهنده از ...

بچه‌ها نشانش می‌دهند و می‌گویند ل بش را موش گاز گرفته. یک بار هم سگ بازویش را. وقتی گاری‌اش را هل می‌دهد، می‌بینی چطور زیر سنگینی بار خم شده؛ با آن صورت بچگانه معصومش. بالای لیش جای یک زخم کوچک هست.

—ربان، موش گازت گرفت؟ کی؟ شب بود یا روز؟

—شب خوابیده بودم دیدم یک چیزی گازم گرفت. واکنس زدم.

—کجا واکنس زدی؟

—حصارک.

سگ چی؟

—شانه‌ام رو گاز گرفت.

با کمک نرگس، واکنس هاری هم زده است. ربان و برادرش فرهاد را پدرش آورد به ایران و بعد برگشت افغانستان. فرهاد ۱۶ ساله حالا همه پشت و پناه ربان است.

ربان ۵ برادر دیگر هم دارد که در افغانستان زندگی می‌کنند.

—ربان! دلت برای مادرت تنگ شده؟

—آره ولی چیکار کنم؟

بیشتر جواب‌هایش این طوری است، مثل خلی‌های دیگر. چه کار کنم؟ چقدر زود این جمله را یاد گرفته‌اند، اینکه مجبورند و چاره‌ای ندارند. از بیشتر بچه‌ها وقتی می‌پرسی مشکلی دارند یا نه؟ می‌گویند نه. به نظرم می‌رسد آنها در این سن و سال و زندگی میان این همه زباله، حتی تصویر درستی از مشکل هم ندارند. شاید فکر می‌کنند زندگی همین جور است با مشقت فراوان میان اشغال‌ها.

کودکان پناهنده‌ای که به ما پناه آورده‌اند و ما اینجا در میان اشغال‌ها رهپایشان کرده‌ایم؛ بی پناه، مظلوم و تنها.

ربان می‌گوید چند کلاس سواد دارد. در افغانستان مکتب رفته و اینجا هم گاهی تلویزیون تماشا می‌کند اما فقط گاهی؛ چون زیاد وقت ندارد و باید به کاسبی‌اش برسد. هفته‌ای یک بار هم حمام می‌رود. نرگس از ربان می‌پرسد چرا دستکش نبوشیده؟ شانه‌های بالا می‌اندازد: «دیروز کاسبی می‌کردم، یک جا جاش گذاشتم.

شیشه می‌برد، امپول و سوزن هم هست.» در میان زباله‌ها کلی زباله بیمارستانی هست. بچه‌ها هر چقدر بار بیاورند، مزد می‌گیرند،

تمام اینها و حتی مجازات‌هایی نظیر شلاق و اعدام نیز نمی تواند تو را از مسیرت که همانا مبارزه برای رسیدن به آزادی فردی و اجتماعی است باز دارد.

نمونه‌ی صبر و بردباری میدانم و میدانم که تاکنون جور و جفاهای بسیار دیده‌ای. تحت لوای دین، هویتت را به تاراج بردند، محدودت کردند، به داخل پستوها و مطبخ‌ها رانده شدی، حق سخن گفتنت را از تو ستاندند و قفلی بر لبانت نهادند، از هر حربهای برای به اسارت کشاندن روح بلندت استفاده نمودند در قالب دین.

تمام اینها و حتی مجازات‌هایی نظیر شلاق و اعدام نیز نمی تواند تو را از مسیرت که همانا مبارزه برای رسیدن به آزادی فردی و اجتماعی است باز دارد.

تماس با

حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocial-
ist2017@gmail.com

www.simroz.org

ادامه در صفحه ۱۰

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

تهدیدها و فضا سازی نظامی ...

روایتی تکان دهنده از ...

معمولاً روزی ۲۰-۳۰ هزار تومان که می‌رسد به دست پدر و مادرها و کارفرما. پول اندکی هم در اختیار بچه‌ها می‌گذارد.

—با مزدت چی می‌خری ربان؟

بستی.

در یکی از سوله‌ها ۹ کودک را می‌بینم که از کاسبی برگشته‌اند تا

چند دقیقه‌ای استراحت کنند. روی

دیوار میخ کوبیده‌اند و هرکس ساکش

را به دیوار آویخته. همه زندگی‌شان

را. ساک قرمز برای ناصر است،

ساک سفید برای محسن، ساک آبی

برای عبدل احمد. ساکها را زده‌اند

روی دیوار تا جایشان را کمتر تنگ

کند. کنار این اتاق آشپزخانه کوچکی

دارند با گازی دود گرفته برای

آشپزی. رحم‌الدین ۱۲ ساله روی

اجاق جای دم می‌کند.

—رحم‌الدین معمولاً چی می‌خورد؟

—هر چی دم دستمان بیاید. نیمرو،

نون و پنیر، آبگوشت.

—زمستان سرد نیست؟

—دیگه چیکار کنیم؟

—افغانستان بهتر بود یا اینجا؟

—افغانستان بهتره.

—چرا بر نمی‌گردی؟

—کار نیست.

—اینجا چه مشکلی دارید؟

—مشکل که نداریم.

پیمانکار هم افغانستانی است. در

گوشه‌ای نشسته و زباله‌ها را وزن

می‌کند. آنقدر دور و برمان حشره،

مگس و زنبور هست که باید مدام

ببرانی‌شان. نرگس می‌گوید در مدتی

که به بچه‌ها سر زده، بارها ساس‌ها

و حشرات نیش زده‌اند.

دلدار ۱۰ ساله را پدرش به اینجا

آورده و برگشته افغانستان. همه

یادشان است که تا سه ماه بعد از

برگشتن پدرش مدام گریه و بی‌تابی

می‌کرد:

—بابام با پاسپورت آمد، برگشت.

الان ۳ ماه گذشته.

—دلدار! دلت برای مادر و پدرت

تنگ شده؟

—خیلی تنگ شده. دلم برای خواهر

و برادرهایم هم تنگ شده.

—آشپزی بلدی؟

—نه بقیه درست می‌کنند.

—دلت برای غذاهای مادرت تنگ

نشده؟

—نه برای خودش تنگ شده.

یکی از زباله‌گردهای بزرگسال رد

می‌شود. سری تکان می‌دهد و زیر

لب می‌گوید:

در باره کشمکشها و مخاطرات که اشاره گردید حزب سوسیالیست انقلابی ایران توجه افکار عمومی، طبقه کارگر و کلیه نیروهای مترقی را به نکات زیر جلب نموده و خواهان تلاش متحد و همه گیر علیه جمهوری اسلامی ایران عربستان سعودی و دولت امریکا است:

۱- ماجراجویی‌های نظامی جنایتکاران حاکم بر امریکا، ایران، عربستان و هر کشور دیگری که به دنبال اعمال جنگ، تروریسم و زورگویی علیه کشور و شهروندان دیگری است به شدت محکوم کرده و نیروهای مترقی و جوامع متمدن را به مقابله با آنها فرامیخوانیم.

۲- هر شکل از تداوم فضای جنگی و یا شروع احتمالی جنگ بین عربستان و ایران را محکوم نموده و آنرا اقدامی ضد انسانی و در راستای منافع جنایتکارانه هر دو طرف دانسته و باید از هر سو محکوم و طرد شوند.

۳- حضور نظامی و ماجراجوییها و دخالت‌های جمهوری اسلامی در منطقه، حضور تروریستی آنها در عراق و کردستان عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و غیره را شدیداً محکوم نموده و خواهان بیرون راندن آنها از کلیه این کشورها به وسیله شهروندان و نیروهای مترقی مقیم آن کشورها و از طریق اعتراض شهروندان مقیم ایران هستیم.

۴- اعلام می‌کنیم که هر شکلی از ماجراجویی نظامی رژیم اسلامی در منطقه، هر شکلی از دخالت و اقدام نظامی متقابل کشورها دیگر علیه ایران، و هر نوع امید بستن به دخالت آن کشورها به هدف "تضعیف" جمهوری اسلامی از جانب "اپوزسیون" و یا "مردم" را نه تنها محکوم نموده که کل این سناریو را در خدمت به بقای ننگین حاکمیت اسلامی و علیه مبارزه آزادیخواهانه برای سرنگونی انقلابی رژیم تروریست اسلامی ارزیابی می‌کنیم.

۵- گسترش اعتراضات جاری و اتحاد حول مطالبات واحد علیه نظام اسلامی در بعد به مراتب گسترده تر و متحد کننده تر و در یک صف مستقل آزادیخواهانه و سوسیالیستی، اقدام برای اعتراض به حضور نظامی این رژیم در کشورهای دیگر و پایان دادن به دخالت‌های سیاسی- عملی و نظامی- تروریستی آن در کشورهای همجوار، آماده شدن عملی و سیاسی جامعه برای مقابله با مخاطرات که این رژیم و نیروهای اسلامی و قومی مرتجع ممکن است ایجاد کنند، پیوستن شهروندان مدافع آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی به سیاست و صف نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و جنبشهای اعتراضی غیر ملی و غیر مذهبی، و بلاخره آماده شدن برای سرنگونی توده ای و قهر آمیز این رژیم فاشیست اسلامی را به عنوان تنها گام موثر علیه مخاطرات و فضا سازی نظامی موجود و در جهت پایان دادن به یک تاریخ از نزاع و جنگ و کشتار و تروریسم و استبداد و استثمار در ایران می دانیم.

۶- سرنگونی رژیم فاشیست اسلامی سرمایه داران حاکم بر ایران توسط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و احزاب و نیروهای مترقی و سوسیالیست در عین حال می تواند پیامدهای بسیار مثبتی در جهت تضعیف کل نیروها و دولت‌های مرتجع منطقه نیز داشته باشد.

۷- طبقه کارگر ایران، جنبش آزادیخواهی زنان و جوانان را به هوشیاری و آمادگی برای مقابله با اوضاع مخاطره آمیز کنونی فرا میخوانیم. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، تقویت آن و حمایت جدی از سیاستهای این حزب یک رکن مهم آماده سازی برای مقابله با مخاطرات کنونی و تلاش موثری برای سرنگونی کلیت رژیم جانی اسلامی حاکم بر ایران در جهت رسیدن به آزادی و برابری و رفاه و امنیت در جامعه است.

نه به جنگ دولتهای مرتجع و تروریست پرور!

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۱۹ آبان ۱۳۹۶

۱۰ نوامبر ۲۰۱۷

ادامه در صفحه ۱۲

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری



اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره تهدیدها و فضا سازی نظامی از جانب دولت‌های ایران و عربستان

به "بحران کره شمالی" از جانب دولت‌های امریکا و کره شمالی و همپیمانانشان نیست. سرمایه داران حاکم بر جهان بر اراده بی اراده شده جهان متمدن و عادت دادن بشریت به اوضاع هولناک در منطقه سرمایه گذاری زیادی کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران که از روز اول تا کنون هر شکلی از جنگ و خشونت و کشتار برایش "نعمت" بوده است یکی از کانونهای اصلی این نوع مخاطرات بوده و میتواند بنا به موقعیت داخلی و خارجی که دارد بیش از هر زمانی به استقبال چنین سناریویی برود. این رژیم در بعد منطقه ای از سوریه تا عراق و حشد شعبی و عبادی تا اعمال قدرت در بخشی از کردستان عراق و از حوثی ها تا حزب الله و لبنان و فلسطین و اتکا به همپیمانان روسیه و سوریه اش توانسته خود را به "قدرت منطقه ای"، در واقع به کانون جنگ و خونریزی و مرکز سمی اسلامی-تروریستی تبدیل کند. از اینرو و با بهره گیری از این تحولات منطقه ای همواره برای سرکوب مستمر جامعه ایران به ویژه نیروها و جنبشهای کارگری و مترقی بهره بگیرد، و وانمود کند که از چنان قدرتی برخوردار است که در داخل کشور نیز باید همه تسلیم او شوند. و حتی اگر آشکارا ثروت و پولهای این مملکت را میدزدند، و قریب به هشتاد درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و کارگران را که با گرسنگی مواجه کرده باز به تمکین بیشتر بکشاند، و در بعد میلیونی که با کودکان کار و خیابانی و بیکاری و فقر و حاشیه نشینی و نابودی نسلهای که روبرو هستیم نباید اعتراض کرد چون "دشمن خارجی" دارند! دستمزدهای معوقه و بیمه و رفاه و غیره را هم نباید مطالبه کرد، به سرکوب و بازداشت و به زنجیر کشیدن کارگران و فعالین هم نباید معترض بود چون ایران با "تهدید روبرو است"، چون ایران "امن تر" است از فلان کشور در منطقه!...

جمهوری اسلامی بدون جنگ و سرکوب و ترور و قمه کشی و مزدور پرورش دادن و هیاهویی دشمن تراشی در مقابل موج نفرت اجتماعی و اعتراضات کارگری و توده ای خورد خواهد شد! این "خطر" و "دشمن" واقعی از "درون" است که جمهوری اسلامی را بخشا به سونی ماجراجویی نظامی و حتی استقبال از شروع جنگ با "کشور خارجی" و زمینه سازی برای باز هم نظامی تر کردن فضای داخل کشور نیز کشانده است. اما این قمار جنایتکارانه در تحولات پیشروی منطقه و در دوره "بعد از داعش" و ماجراجویی و هارت و پورتهای "رهبر دمکراسی جهانی" مانند ترامپ و بحران مجدد در داستان "برجام" که یک عمر مردم را بازی دادن به این بهانه، میتواند

ادامه در صفحه ۱۰

اخیرا یکبار دیگر به بهانه پرتاب موشک به سوی فرودگاه ریاض فضای جنگی و تهدید به جنگ و انتقامگیری از سوی دولت‌های عربستان و ایران و دارودسته های تروریست حامی آنها در منطقه شروع و به نگرانی و فضای یاس و ناامیدی مردم بی دفاع در منطقه افزوده است. همزمان ترامپ، این سرمایه دار دلقک حاکم بر کشور امریکا نیز، که سر گرم ماجراجویی در آسیا و علیه کره شمالی است، به آتش بیار این ماجرا نیز تبدیل شده است و میخواهد با تحریک عربستان بر فشار خود بر ایران افزایش دهد. و همزمان شاهد تهدید و تحریکات جمهوری اسلامی در پوشش دفاع از "حوثی" های یمن هستیم. داستان "کناره گیری" سعد حریری در پست نخست وزیری لبنان و اینکه گویا برنامه ترور او در جریان بوده و سر انجام اعلام خروج شهروندان عربستان و متحدینش از لبنان به تشدید چنین بحرانی افزوده است. بدین ترتیب زنگ خطر وقوع احتمالی جنگ ویرانگر دیگری را در منطقه به صدا در آورده اند و باید قبل از عملی شدن آن در مقابلش ایستاد.

بنظر میرسد با کاهش یا "پایان یافتن جنگ با داعش"، جنایتکاران حاکم بر جهان، که سالها است با کمک همین دولت‌های مرتجع چون ایران و عربستان و سوریه و عراق و ترکیه و اسرائیل خاورمیانه را به میدان جنگ نیابتی و ویرانگر تبدیل کرده اند، هنوز به بحرانا و جنگهای دیگری نیازمند هستند تا راه برای تعیین تکلیف نهایی با یکدیگر و عبور از بحراناقتصادی و نارضایتیهای اجتماعی که در کشورهای خود با آن روبرو هستند، فراهم کنند. تعمیق و ایجاد کانونهای بحران و کشمکش خونین جدید، که در آن بجز مردم بی دفاع و طبقه کارگر و صف آزادیخواهی کسی متحمل ضرر نشده است، همچنان یک نیاز اساسی کلیه قدرتهای جهانی و منطقه ای نظامهای جنایتکار میباشد. اثبات شده است که حاصل این بحرانا و جنگها در جایی که به برکناری دولت "دیکتاتور" معینی نیز منجر شده است، نه تنها هیچ نفعی برای مردم تشنه آزادی و رهائی در بر نداشته است بلکه دقیقا در جهت عکس منافع واقعی جامعه عمل شده و جز روی کار آمدن جانی ترین دولت‌ها در منطقه و عروج جنبش و احزاب به شدت مافیائی و تروریستی -اسلامی و قومی حلقه بگوش و مزدور هیچ دستاوردی برای مردم به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد!

بنظر میرسد راه اندازی جنگ مجدد، در پوشش سنی گری و شعبه گری، به رهبری جانی ترین دولت‌های حاکم مانند جمهوری اسلامی ایران و عربستان، چه در شکل رودرو و مستقیم یا در شکل گسترش تنش و جنگ از طریق نیروهای وابسته به آنها به پروژه قدرتهای "متمدن غربی" تبدیل شده است که میتواند به مراتب مخاطره آمیزتر و پر هزینه تر از آنچه تا کنون در قالب "داعش" "حشد شعبی" و "حزب الله" و غیره تجربه کرده ایم تمام گردد برای شهروندان در منطقه. در صورت وقوع چنین جنگ جنایتکارانه ای، کل منطقه را برای یک دوره طولانی تر وارد جنگ و آشوب و آدمکشی و مسابقه تسلیحاتی و نابودی انسانهای بیشماری خواهد نمود. این مخاطره میتواند نه تنها کل منطقه که کل جهان را در بر بگیرد. مخاطرات واقعی آن کمتر از تهدید جنایتکارانه هسته ای و نابود کردنیهای یکدیگر مربوط

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدانی شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

برای برقراری یک جامعه نوین باید بپا خیزیم! بدون
توسل به قهر انقلابی، بدون در دست داشتن پرچم
سوسیالیستی، بدون تحزب کمونیستی طبقه کارگر،
بدون به میدان آمدن قربانیان این نظام ضد انسانی،
بدون اقدام ملیتانت و مسلحانه، نابودی و کنار زدن
نظام سرمایه داری و در راس آن نابودی نظام جانی
اسلامی ممکن نیست. (سلام زیجی)

روایتی تکان دهنده از ...

«همه‌مان اینجا دق آوردیم. هیچ جا وطن نمی‌شود».

نرگس صحرانورد می‌گوید: «این بچه‌ها واقعا بی‌پناهند. این بچه‌ها را همه جور خطری تهدید می‌کند؛ هر چیزی که فکرش را بکنی از بیماری و تجاوز گرفته تا خطر مرگ. مگر می‌شود مسئولان شهر کرج ندانند که در این سوله‌ها و مراکز چه می‌گذرد؟ انگار این بچه‌ها برای هیچ‌کس مهم نیستند؛ تنها و رها شده. فکر می‌کنم درس خواندنشان اولویت چندم است. الان جانانشان در خطر است. وقتی دیدم به بچه‌ها لباس داده‌اند، شوکه شدم. لباس دادن یعنی رسمی کردن این شغل. از مسئولان شهرداری پرسیدم چرا؟ جواب دادند می‌خواهیم شناسایی‌شان کنیم. اینجا تنها مرکز بازیافت نیست که بچه‌ها در آن کار می‌کنند. در «باغستان» و «آق تپه» و «میان جاده» هم همین وضعیت هست».

سری هم به مرکز بازیافت زباله آق تپه می‌زنیم. یکی از مناطق حاشیه‌ای کرج در نزدیکی مهرشهر. داستان اینجا هم مشابه همان چیزی است که در میدان والفجر دیده‌ام. فقط این مرکز کوچکتر از قبلی است و سوله‌ها از آشغال‌ها فاصله بیشتری دارد. نرگس مدتی به بچه‌های اینجا درس داده؛ آموزش خواندن و نوشتن. می‌گوید بچه‌ها سوء تغذیه گرفته‌اند تا حدی که چند نفرشان نیاز به بستری شدن دارند. اطراف این مرکز پر است از زمین‌های کشاورزی؛ اغلب کلم که می‌گویند با آب فاضلاب و آب آلوده ضایعاتی‌ها آبیاری می‌شود.

علی خان، جانا، ابراهیم، حسن، رازق ... ۱۰ کودک زباله‌گردی هستند که اینجا زندگی می‌کنند. همه اهل هرات از کشور افغانستان. خرخر چرخ‌ها بلند می‌شود. بچه‌ها گاری‌ها را هل می‌دهند و دنبال کاسبی‌شان می‌روند؛ کاسبی زباله، کاسبی بیماری و مرگ.

اخراج و بیکار سازی موقوف!